

می‌کردم و دیگر نیازی به دخالت در کار کارگردانی حین ساخت فیلم وجود نداشت. در فواصل مختلف، من و برادرم به سر صحنه هم می‌رفتیم و رابطه تعریف شده و حرفه‌ای با عوامل داشتیم. اگر نکته‌ای هم به ذهنم می‌رسید، سر صحنه جلوی عوامل به کارگردان نمی‌گفتم و فردایش در دفتر صحبت می‌کردیم. اگر احترام و شأن کارگردان حفظ شود، به کیفیت فیلم هم کمک می‌کند و کارگردان با اعتمادبه‌نفسش کارش را انجام می‌دهد.

○ در دهه‌های شصت و هفتاد، سینمای ایران تحت تأثیر سیاست‌های حمایتی بنیاد فارابی قرار داشت و بخشی از تولیدات با حمایت این نهاد شکل می‌گرفت. چرا شما در آن دوره به سراغ تولید فیلم‌های سفارشی نرفتید؟

در دوران کاری، هیچ‌وقت به سراغ ساخت چنین فیلم‌های سفارشی نرفتم و چند باری این پیشنهاد داده شد که قبول نکردم. البته ماجرای تولید «روز واقعه» تفاوت دارد. شبی در سینما فرهنگ با محمدمهدی دادگو صحبت می‌کردیم و سیدمحمد بهشتی هم حضور داشت و از من خواستند فیلمنامه «روز واقعه» را بخوانم. فردایش گفتم فیلمنامه فوق‌العاده‌ای است. دادگو از من پرسید آمادگی داری این فیلم را تهیه کنی و قبول کردم. با هم رفتم فارابی و برای تولید فیلم با بهشتی قرارداد بستیم. در تولید فیلم هم تلاش کردم از بهترین‌های سینما، نظیر کشاورز، مشایخی، انتظامی، قلی‌زاده، دادگو، سیروس مقدم و شهرام اسدی و... استفاده کنم.

○ با توجه به اینکه در آن دوران گفته می‌شد اگر «روز واقعه» را بهرام بیضایی می‌ساخت، فیلم متفاوت و بهتری از کار درمی‌آمد، آیا برای انتخاب او به عنوان کارگردان رایزنی و تلاشی انجام دادید؟

رایزنی‌های زیادی انجام دادم تا بیضایی کارگردانی روز واقعه را انجام دهد اما مسئولین فارابی گفتند فیلمنامه از بیضایی خریداری شده است و باید کارگردان دیگری فیلم را بسازد.

○ آیا شما با انتخاب شهرام اسدی برای کارگردانی «روز واقعه» موافق بودید؟

اسدی انتخاب فارابی بود. او کارگردان توانایی است، تحصیل‌کرده آمریکا و خیلی دقیق کارگردانی کرد.

○ در مرحله پیش تولید قرار بود هدیه تهرانی در «روز واقعه» بازی کند. چرا این اتفاق نیفتاد؟

در قضیه انتخاب بازیگران، محمدرضا شریفی‌نیا و سیروس مقدم خیلی نقش داشتند. هدیه تهرانی برای بازی در فیلم تست داد که مورد قبول قرار نگرفت و لادن مستوفی نقش را بازی کرد.

○ برای انتخاب بازیگر نقش اول «روز واقعه» که علیرضا شجاع‌نوری آن را ایفا کرد، آیا گزینه استفاده از یک بازیگر ستاره را هم در نظر داشتید؟
در مرحله اول گزینه اصلی جمشید هاشم‌پور بود و بعدش پارسا پیروزفر که در جمع‌بندی نهایی شجاع‌نوری انتخاب شد.

○ «کانی مانگا» با توجه به ویژگی‌های کلاسیک، چه جایگاهی در سینمای آن دوران داشت؟

«کانی مانگا» در مقطعی بعد از «عقاب‌ها» پر فروش‌ترین فیلم تاریخ سینما بود و سیف‌الله داد فیلم درجه یک و باکیفیتی ساخت.

○ «مادر» یکی از بهترین آثار علی حاتمی است. چگونه زمینه همکاری شما با او برای تولید این فیلم فراهم شد؟

مشغول فیلمبرداری «روز باشکوه» بودیم و بعد از پایان کار، علی نصیریان و گوهر خیراندیش با من همراه شدند. نصیریان گفت چرا با حاتمی فیلمی تهیه نمی‌کنی و من استقبال کردم. قرار شد ایشان قرار مشتری با حاتمی در دفتر بگذارند. حاتمی درباره فیلمنامه «مادر» صحبت کرد و فیلمنامه‌ای ارائه کرد که در آن دیالوگی وجود نداشت. من و برادرم گفتیم چرا فیلمنامه دیالوگی ندارد. حاتمی پاسخ داد: «دیالوگ‌های فیلم عین باقلاست و نگذاشتم تو فیلمنامه». برای من، فیلم «مادر» افتخار کار کردن با حاتمی را فراهم کرد.

○ یکی از ویژگی‌های «مادر»، استفاده از یک لوکیشن تقریباً ثابت، یعنی خانه مادری، است. این خانه چگونه برای فیلم آماده شد؟

علی حاتمی شخصاً در ساخت‌وساز و تعمیرات این خانه قدیمی که در خیابان شیخ هادی بود، مشارکت داشت و اصرار داشت در کلیه مراحل آماده‌سازی خانه حضور داشته باشد. متأسفانه در جشنواره فیلم فجر به «مادر» کم‌لطفی شد.

○ در زمان تولید «مادر»، آیا مسئولان فارابی درباره هزینه تولید فیلم واکنشی داشتند؟

مسئولی در آن زمان در فارابی بود و از من پرسید هزینه تولید «مادر» چقدر است. رقمی که گفتم تعجب کرد و گفت چون به حاتمی علاقه داری، رقم را پایین‌تر می‌گویی...؟

○ برخی از بازیگرانی که با علی حاتمی کار کرده‌اند، می‌گویند او هیچ‌وقت فیلمنامه را در اختیار بازیگران قرار نمی‌داد. آیا این موضوع درست است؟

درست است. اما راجع به فضا، موقعیت‌ها و کلیت نقش با بازیگران مفصل صحبت می‌کرد. حاتمی معتقد بود اگر فیلمنامه به بازیگر داده شود، می‌رود تمرین می‌کند؛ تمرینی که مورد قبولش نیست. حاتمی بازیگرانی را انتخاب می‌کرد که به سبک کاری‌اش آشنا بودند و با کوچک‌ترین اشاره، خواسته حاتمی را می‌فهمیدند.

○ «جهان پهلوان تختی» هم با تشدید بیماری علی حاتمی نیمه‌کاره ماند. درباره ادامه و تکمیل این فیلم چه تصمیمی دارید؟

سی دقیقه از فیلم «جهان پهلوان تختی» توسط حاتمی فیلمبرداری شد و به نظرم فوق‌العاده و درجه یک بود. تصمیم دارم با حضور مهدی کرم‌پور و کمک هوش مصنوعی، ادامه فیلم را کامل کنیم.

○ آیا شما با ساخت فیلم «تختی» توسط بهروز افخمی موافق بودید؟ اعتراضی نکردید؟

بهروز افخمی چیز دیگری ساخت. حاتمی در فیلمش رفت به بیان اسطوره تختی. ادامه فیلم اگر ساخته شود، با چنین الگویی خواهد بود. البته افخمی زحمات زیادی کشید ولی فیلمی ساخت که اصلاً مد نظر ما نبود.

○ ارتباط مستمر و طولانی شما با مسعود کیمیایی چگونه شکل گرفت و به همکاری در تولید چه فیلم‌هایی انجامید؟

سر پخش «گروهان» در دفترمان با کیمیایی آشنا شدیم و این آشنایی به ساخت چند فیلم مثل «ردپای گرگ» منجر شد. از این همکاری‌ها بسیار راضی هستم و هیچ‌وقت هیچ حاشیه و سر و صدایی در ساخت این فیلم‌ها به وجود نیامد. کیمیایی از بزرگان سینمای ایران است و معتقدم مسئولین سینمایی حق مطلب را درباره ایشان به جانیاورند.

○ به چه دلیل معتقدید مسئولان سینمایی حق مطلب را درباره مسعود کیمیایی ادا نکردند؟

کیمیایی به نظرم قابلیت جهانی شدن را داشت. به‌طور مثال، فیلم «سرب» را در نظر بگیرید که در سطح جهان دیده شد و همان سال‌ها اسپیلبرگ گفت که بر اساس محتوای فیلم «سرب» فیلمی خواهد ساخت. کیمیایی از نظر نوشتن، کارگردانی، شناخت موسیقی و تسلط بر مونتاز، درجه یک بود.

○ آیا خاطره‌ای از همکاری با مسعود کیمیایی دارید که در ذهن‌تان ماندگار شده باشد؟

سر فیلم «ردپای گرگ» که بخشی از فیلمبرداری طرف‌های میدان تجربیش بود، ساعت ۱۲ ناهار گروه آمد. کیمیایی آن قدر سرش به کار گرم بود که ناهار را ساعت ۶ عصر خوردند. سکانشی که جلال مقدم، قریب‌بان و سجادی‌آن قاب معروف را بستند و در تاریخ سینما با دیالوگ «آقای تهرانی، بیاد تو عکس...» ماندگار شد. کیمیایی سر صحنه با صلابت و اقتدار کار می‌کند. دو سه بار با مسئولین فارابی این بحث را داشتم که منزلت کیمیایی بیشتر از این حرف‌هاست و زیر بار نمی‌رفتند. اگر از

کیمیایی حمایت گسترده‌ای انجام می‌شد، بدون تردید ایشان چند فیلم جهانی برای سینمای ایران خلق می‌کرد. اگر کیمیایی در بحث فیلمنامه مشاور زبده‌ای در کنارش داشت، مطمئن باشید فیلم‌های شاخصش بیشتر از حالا بود.

○ آیا در همکاری‌های مشترک‌تان با مسعود کیمیایی، پیشنهاد کردید برای تقویت فیلمنامه از مشاور استفاده کند؟

گفتم، اما باید خودشان قبول می‌کردند. کیمیایی در آن سال‌ها کمی دلسرد بود.

○ به چه دلیل کیمیایی دلسرد بود؟

مسعود کیمیایی، معتقد بود بخش دولتی با او خوب نیست و در ساخت فیلم‌هایش سنگ‌اندازی می‌کند و هیچ‌وقت فیلم‌هایش را به جشنواره‌های خارجی نمی‌فرستند. معتقدم اگر شرایط مهیا بود، کیمیایی می‌توانست اسکار هم بگیرد.

○ «افعی» یکی از نقاط عطف سینمای تجاری ایران به شمار می‌رود. آیا هنگام تولید، پیش‌بینی چنین موفقیتی را داشتید؟

محمدرضا اعلامی کارگردان فهمیم و بادانشی بود. روزی اعلامی آمد دفتر و گفت می‌خواهد فیلم اکشن «افعی» را بسازد و بعد از موافقت، در حین نوشتن فیلمنامه می‌آمد و با ما مشورت می‌کرد.

○ آیا جمشید هاشم‌پور انتخاب اول شما برای بازی در «افعی» بود؟

بله. در مشورت با هم به جمع‌بندی حضور هاشم‌پور رسیدیم.

○ ایلوش خوشایه، از بازیگران قدیمی سینما، هم در «افعی» نقش منفی را ایفا کرد. انتخاب او چگونه شکل گرفت؟

ایلوش را اعلامی پیشنهاد داد و قبول کردم و توانستیم مجوز بازیگری‌اش را بگیریم. فیلمبرداری بعد از پیش تولید سه‌ماهه، در ۶۰ جلسه کاری انجام شد.

○ آیا خاطره‌ای از زمان تولید «افعی» دارید که برایتان ماندگار شده باشد؟

اعلامی برای بهتر شدن صحنه‌های اکشن فیلم از ما درخواست هلیکوپتر کرد و گفتم هلیکوپتر از کجا تهیه کنم؟ قضیه گذشت و من وارد مذاکره با هوانیروز شدم و هلیکوپتر را در اختیار قرار دادند. سوار هلیکوپتر شدم و بدون اینکه به اعلامی بگویم، آمدم سر فیلمبرداری در شمال. اعلامی با دیدن من تعجب کرد و خوشحال شد.

○ با ایرج قادری هم تجربه‌های موفق داشتید. همکاری شما با او چگونه شکل گرفت؟

ایرج قادری با فیلمنامه «می‌خواهم زنده بمانم» آمد دفتر و من آن موقع ریش داشتم و قادری با تعجب گفت: «چقدر شبیه من هستی!» (با خنده). فیلمنامه را خواندم و پیش تولید فیلم شروع شد. بعد از آماده شدن

فیلم، زمانش در حدود ۱۴۰ دقیقه بود و قادری تمایلی به کوتاه کردن فیلم نداشت و من گفتم اگر اجازه بدهید، می‌شد فیلم را طوری کوتاه کرد که به انسجام فیلم خللی وارد نشود و قادری موافقت کرد. به همراه یونس صباحی، سعید مطلبی و ایرج گل‌فشان، با سختی توانستیم زمان فیلم را برای استاندارد اکران آماده کنیم.

○ در زمینه معرفی و حمایت از فیلمسازان جوان نیز نقش داشتید؛ از جمله با حمایت از سامان مقدم و حمید نعمت‌الله. همکاری شما با این دو فیلمساز چگونه شکل گرفت؟

سامان مقدم سال‌ها در هدایت فیلم حضور داشت و با بیشتر کارگردان‌های بزرگ به عنوان دستیار همکاری کرده بود. مقدم فیلمنامه‌ای آورد که قبولش نکردم و مدتی بعد فیلمنامه «سیاوش» را آورد و خواندم و فیلم ساخته شد و فیلم موفق بین مردم و گیشه شد. نعمت‌الله هم در چند فیلم با ایرج قادری و کیمیایی به عنوان دستیار همکاری کرد و آمد دفتر و فیلمنامه «بوتیک» را روی میز گذاشت و گفت می‌خواهد آن را بسازد و فیلم موفق از کار درآمد.

○ در «سیاوش» حضور بازیگران شناخته‌شده‌ای مثل هدیه تهرانی به اعتبار فیلم و کارگردان کمک کرد؟

هدیه تهرانی به من لطف داشت و در ضمن از فیلمنامه خوشش آمد و قبول کرد.

○ آیا در تولید فیلم‌های کارگردان‌های فیلم‌اولی، نظارت بیشتری داشتید؟

سیاست ما این بود که در دفتر تمام نظراتمان را ابراز می‌کردیم و سر صحنه کارگردان کارش را انجام می‌داد.

○ قرار بود با بهرام بیضایی همکاری کنید. این همکاری چرا شکل نگرفت؟

قرار بود فیلم «چه کسی رئیس را کشت» بیضایی در دفتر ما ساخته شود که امکانش فراهم نشد.

○ چرا با داریوش مهرجویی همکاری نداشتید؟

دو سه بار صحبت کردیم که شرایط برای همکاری فراهم نشد.

○ با بهمن فرمان‌آرا در «بوی کافور، عطر یاس» همکاری کردید. این فیلم را در کارنامه فرمان‌آرا چگونه ارزیابی می‌کنید؟

فیلم «بوی کافور، عطر یاس» جزو آثار شاخص فرمان‌آرا است و در جشنواره فیلم فجر خوب دیده شد و جوایز زیادی به دست آورد. در خارج از کشور هم اکران‌های موفق داشت.

○ در فیلم‌هایی که تهیه کردید، ستاره‌های نسل‌های مختلف سینما حضور داشتند. همکاری با کدام نسل از بازیگران برای شما آسان‌تر بود؟

نسل اول ستاره‌هایی که با آنها کار کردیم، مثل کیانیان، پرستویی، معتمدآریا، تارخ، قریب‌بان، هاشم‌پور، رویگری، فرجامی، پایگان و... بودند. نسل بعدی شامل گلزار، حیایی، بهداد، رادان، عرب‌نیا و... بود و از همکاری با همه‌شان راضی بودم و هیچ بازیگری با ما بدقلقی نکرد. در بحث قراردادها هم با ما تعامل داشتند و تلاش می‌کردیم دستمزد بازیگران را بر اساس استانداردهای موجود پرداخت کنیم.

○ خیلی‌ها اعتقاد دارند یکی از علل مهم افت سینما در یک دهه اخیر، کم‌رنگ شدن نقش تهیه‌کنندگان حرفه‌ای مثل شما و ورود تهیه‌کنندگان بدون تجربه و متکی بر بودجه‌های بخش دولتی سینماست. چقدر به این مسئله اعتقاد دارید؟

من هم چنین عقیده‌ای دارم. سازمان‌هایی نظیر اوج، حوزه هنری و چند نهاد دیگر، بخش عمده تولیدات را بر عهده دارند و خب فیلم‌هایشان چندان در ارتباط با مخاطب موفق نیست و برای ماها فرصتی برای تولید وجود ندارد. در جشنواره فیلم فجر سیاست این‌گونه است که اصلاً فیلم‌های بخش خصوصی دیده نمی‌شود و امیدوارم راند فریدزاده در این زمینه و اصلاح شرایط تصمیمات مؤثری بگیرد. در دوران ما، علی‌رغم تولید فیلم‌های اجتماعی مؤثر، در سایر ژانرها مثل مذهبی «روز واقعه» و فیلم‌های جنگی «کانی مانگا» تولید می‌شد.

